

## معرفی و ارزیابی کتاب

### درسهایی از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل - حزب الله

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۲ بهار ۱۳۸۸

آنتونی اچ کوردزمن؛ درسهایی از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل - حزب الله، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸، ۳۲۲ ص.

#### مقدمه

کتاب درسهایی از جنگ اسرائیل علیه حزب الله تألیف آنتونی اچ. کوردزمن، در سال ۱۳۸۸ در مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور در تهران ترجمه و به چاپ رسیده است. این کتاب در ۲۳۰ صفحه اطلاعات جامعی از جنگ اسرائیل علیه حزب الله به خواننده ارائه می‌دهد. نویسنده در این اثر، تجاربی از دستاوردهای جنگ ۳۳ روزه را به عنوان یک مورد منحصر به فرد از جنگ نامتقارن، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

آوازه حزب الله در لبنان و منطقه زمانی بر سر زبانها افتاد که از دید بسیاری، عناوین اسلامی از جذابیت برای مخاطبان و همگامی با مقتضیات زمان ناتوان بوده است. از این رو، موفقیت مقاومت اسلامی در لبنان، مایهٔ اعجاب ناظران بین‌المللی شد. حزب الله تدابیر عملیاتی خود را برای پایه‌ریزی مقاومت، به گونه‌ای متفاوت با ارتشهای منطقه اتخاذ کرد. مقاومت اسلامی از طریق گروههای مخفی عمل می‌کرد که این امر باعث انعطاف‌پذیری و تحرک این سازمان شده، به رزمندگان حزب الله امکان می‌داد ضمن زندگی عادی خود در روستاها و شهرها به سادگی بتوانند وارد میدان نبرد شوند، بی‌آنکه نیازی به حضور آشکار نظامی باشد. به اعتقاد حزب الله، حضور آشکار نظامی، مانورهای بی‌فایده است که مایهٔ نارضایتی مردم و به مثابهٔ اهداف علنی برای ضربات دشمن تلقی

می‌شود. مراکز آموزشی هم از این ویژگی برخوردار بودند تا از حملات هوایی جنگنده‌های اسرائیل در امان بمانند. انجام عملیات پیاپی و کیفی بودن و تداوم آنها، منجر به ایجاد رعب در صفوف اشغالگران و فرسایش توان نظامی آنها شد. تشدید عملیات مقاومت اسلامی همچنین باعث تحقق هدفهای میدانی و بازتابهای موفقیت‌آمیز در عرصه سیاسی گردید.

سلاح شهادت‌طلبی اصلی‌ترین منبع قدرت است که حزب‌الله به آن متکی است؛ زیرا این سلاح باعث شده دشمن به بازنگری در محاسبات و هدفگذاری‌های خود پردازد. عملیات شهادت‌طلبانه و جهادی مقاومت اسلامی، به اهداف متعددی رسیده که از جمله آنها می‌توان به جبران اختلاف در موازنه نظامی و تحمیل نتایج خسارت‌بار بر دشمن یا امکانات اندکی اشاره کرد؛ به طوری که در سال ۱۹۸۵، ارتش رژیم صهیونیستی ناچار به عقب‌نشینی از بیش از نیمی از اراضی اشغال شده شد.

تاریخچهٔ پر فراز نشیب پیدایش حزب‌الله حاوی درسها و آموزه‌هایی است. این حزب در میان احزاب لبنان، تنها حزبی است که به علت مبارزه علیه اشغالگران، مولود مقاومت به شمار می‌آید. استراتژی حزب‌الله در خصوص محور بودن مقاومت علیه اشغالگران، باعث شد تا این حزب خود را از منازعات قدرت در صحنهٔ سیاسی لبنان دور نگه دارد. همین امر دستاوردهایی به شرح ذیل در پی داشته است:

الف) مبارزهٔ بی‌امان حزب‌الله و پیروزی‌های مقاومت اسلامی بر ارتش اشغالگر قدس، اسطورهٔ نظامی رژیم صهیونیستی را در هم شکست و زمینه را برای پیروزی‌های بعدی علیه آن فراهم کرد.

ب) الگوی جنگ انقلابی حزب‌الله که مبنی بر فرهنگ شهادت بود، نقطهٔ پایانی بر الگوهای مبارزاتی مبتنی بر فرهنگ ملی‌گرای عربی بود و قدرت فرهنگ مبتنی بر اسلام و شهادت را به اثبات رساند.

ج) مبارزهٔ پیگیر و بی‌امان حزب‌الله علیه رژیم اشغالگر قدس و رد هرگونه مذاکره با این رژیم، به عنوان موضع اصولی و موفقیت‌نهایی این حزب از عقب‌راندن نیروهای

متجاوز، باعث شد که بطلان روش رایج در میان دولتمردان عرب را به اثبات رساند و بر همگان روشن کند که رژیم صهیونیستی جز زبان زور، هیچ زبان دیگری را نمی‌شناسد. به اعتقاد نویسنده، شکست رژیم اشغالگر قدس در جنگ ۳۳ روزه و در هم شکستن ارتش قدرتمند آن، نشان داد که صهیونیستها، شکست مادی و معنوی سختی را از حزب الله متحمل شده‌اند؛ شکستی که باید در درازمدت منتظر آثار و پیامدهای تعیین‌کننده آن در صحنه سیاست بین‌الملل بود. اما آنچه دارای اهمیت است اینکه، رژیم اشغالگر قدس نه تنها شدیداً موقعیت خود را متزلزل کرد و وزنه سیاسی خود را به شدت کاهش داد، بلکه اهداف و سیاستهای خاورمیانه‌ای آمریکا را نیز دچار چالش جدی کرد. به نظر نویسنده، پس از اعلام آتش‌بس، فصل جدیدی از منازعه صهیونیستها و حامیان آنان و تفکر مقاومت برآمده از متن انقلاب اسلامی با راهکارها و شیوه‌های جدید در راه است.

### بررسی محتوایی

کتاب حاضر ضمن بررسی و تحلیل جنبه‌های مختلف جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله، کوششی است برای توصیف و درس گرفتن از این واقعه مهم؛ واقعه‌ای که بسیاری از معادلات سیاسی و نظامی منطقه حساس خاورمیانه را دچار تحوّل کرد. نویسنده، کتاب را در این راستا در پنج فصل تدوین کرده است.

نویسنده در فصل نخست کتاب با عنوان «احتیاط‌ها و هشدارها»، تاریخ جنگهای دیگر را هشدار واضحی می‌داند در مورد آنکه بسیاری از داده‌ها و واقعیات منتشر شده در طول یک درگیری و بلافاصله پس از آن، بیشتر مربوط به حدسها، نگاه سیاسی و همسویی‌های ایدئولوژیک است تا منابع معتبر. نویسنده در ادامه معتقد است که جنگ اسرائیل - حزب‌الله، جنگ عراق و سایر مناقشات اخیر نشان می‌دهند که برای آموختن از این تجربه، هر تلاشی را باید انجام داد. هم اسرائیل و هم ایالات متحده نشان داده‌اند که اداره کردن جنگها بر مبنای راهبردهای بزرگ اما ناقص و مفروضات راهبردی، تا چه حد

خطرناک است. هر دو نشان داده‌اند که نیروهای برخوردار از فن آوری بالا و بهینه‌سازی شده برای مقهور کردن دشمنان متعارف، ممکن است در مقابل حملات نامتقارن آسیب‌پذیر باشند و مشکلات سیاسی ناشی از این ضعف، بسیاری از امتیازهای ناشی از آن را خنثی کند. شکست دادن دشمن در میدان نبرد هرگز به خودی خود یک هدف راهبردی یا راهبردی کلان نیست. راهبرد اثربخش مستلزم طرحها و عملیاتی است که موجب دستیابی به اهداف و مقاصد سیاسی علت شروع جنگ می‌شوند. نویسنده در پایان، پیروزی را عبارت از تبدیل کردن موفقیت تاکتیکی به امتیازهای سیاسی پایدار که در مورد جنگهای اختیاری بیش از جنگ بر سر مرگ و زندگی مصداق دارد، می‌داند.

**فصل دوم** کتاب با عنوان «درسهایی در خصوص دستاوردها و شکستهای اسرائیل در این جنگ»، اهداف رژیم صهیونیستی را از این جنگ این گونه بر می‌شمارد:

۱. انهدام «فرماندهی غرب ایران» پیش از آنکه ایران بتواند هسته‌ای شود.
  ۲. احیای اعتبار اسرائیل در زمینه بازدارندگی پس از عقب‌نشینی‌های یکجانبه از لبنان در سال ۲۰۰۰، غزه در سال ۲۰۰۵ و مقابله با این تصوّر که اسرائیل ضعیف بود و وادار به عقب‌نشینی شد.
  ۳. وادار کردن لبنان به تبدیل شدن به یک کشور مسئول و عمل کردن بر این مبنا و پایان دادن به موقعیت حزب‌الله به عنوان حکومتی درون حکومت.
  ۴. آسیب رساندن به حزب‌الله یا فلج کردن آن، با این نکته که نمی‌توان آن را به عنوان یک نیروی نظامی منهدم کرد و حزب‌الله همچنان یک نقش سیاسی عمده در لبنان خواهد داشت.
  ۵. زنده بازگرداندن دو سربازی که حزب‌الله اسیر کرده بود بدون مبادله آنها با زندانیان در اسرائیل؛ حداقل نه هزار نفری که نصرالله و حزب‌الله خواسته بودند.
- به اعتقاد نویسنده اگر چه رژیم اشغالگر قدس نتوانست حزب‌الله را از میان بردارد، بلکه شاید شرایطی را پدید آورد که ترکیب یک نیروی بین‌المللی حافظ صلح و ارتش لبنان، متضمن پیشگیری از ظهور مجدد تهدیدهای موشکی و راکتی باشد که ایران می‌تواند از آن برای کاربرد تسلیحات غیرمتعارف (CBRN) استفاده کند.

در پایان این فصل، نویسنده معتقد است که اصلاً روشن نیست که جنگ اسرائیل - حزب الله پایان یافته باشد. اسرائیل و حزب الله هر دو احتمالاً آتش بس و ترتیبات امنیتی را به عنوان یک فرایند صلح که در هر زمانی ممکن است بدل به فرایند نبرد شود و هر طرف باید آماده دفاع در برابر آن باشد و سعی کند آن را مورد استفاده قرار دهد، هم یک خطر و هم یک فرصت تلقی می کنند.

**فصل سوم** کتاب با عنوان «درسهایی عمده در خصوص راهبرد و مدیریت نبرد»، با طرح اختلافات اصلی بر سر آنکه چه کسی را باید مسئول نحوه هدایت جنگ توسط اسرائیل دانست، روی موضوعات ذیل متمرکز شده اند:

۱. آیا فقدان تجربه نظامی و سیاست خارجی دولت اشغالگر قدس موجب ناتوانی آن در طرح نقشه و نقد ضعفهای نقشه‌های ارائه شده از سوی ارتش شد؟
۲. آیا فرصت‌طلبی سیاسی و تمرکز روی سیاست داخلی مبنی بر این تصور غلط که اسرائیل قوی‌تر از آن است که با یک چالش عمده مواجه شود و دولت لبنان را به سادگی می‌توان وادار کرد مانند یک حکومت عمل کند و از ارتش برای کنترل یک حزب الله سریعاً شکست خورده استفاده کند، موجب تشدید و پیچیده‌تر شدن این شکستها شد؟
۳. در میان رهبران ارشد ارتش، افسران زیادی از نیروی هوایی بودند که وعده می‌دادند قدرت هوایی به نتایج سریع و قاطع منجر خواهد شد. لذا از نیاز به آمادگی برای یک نبرد زمینی غفلت کردند؛ چون حمله زمینی گسترده پس از عقب‌نشینی اسرائیل در سال ۲۰۰۰ طرفداران چندانی نداشت.
۴. سؤالهای جدی‌ای هم در مورد عدم آماده‌سازی نیروی زمینی از سوی ارتش برای تهاجم به عنوان راه حل جایگزین، عدم تعلیم نیروهای فعال برای رویارویی با شورش که آنها یقیناً حداقل در خط اول جبهه با آن مواجه می‌شدند و عدم آمادگی و تعلیم نیروهای ذخیره مطرح شدند.
۵. آیا قضاوت دستگاه اطلاعاتی رژیم اشغالگر در مورد واکنش دولت و ارتش لبنان پس از مورد حمله قرار گرفتن در تلاش برای راندن آنها به سوی جنوب و

واکنش جهان عرب و اسلام پس از مشاهده ضعف و آسیب‌پذیری ارتش آنان اشتباه بود؟

نویسنده در این فصل به شباهت‌های تجربه اسرائیل در شهرهای کوچک و بزرگ لبنان با مشکلات پیش روی ایالات متحده در عراق می‌پردازد. ایالات متحده ناچار از جنگیدن با دشمنی است که اغلب تشخیص دادن آن از غیر نظامیان ناممکن است، یا چنان خود را در میان آنان جای داده که راهی برای جدا کردن آنها از هم در زمان حملات هوایی یا زمینی وجود ندارد. مصداق خاص این حالت را در نواحی پر جمعیت و نبردهای خیابانی می‌توان مشاهده کرد.

نویسنده در این فصل به یک نکته کلیدی به عنوان هشدار در مورد تئوری‌های توطئه اشاره کرده است که هیچ مقام شاغل، افسر اطلاعاتی یا افسر اسرائیلی اعلام نمی‌کرد که حزب‌الله تحت هدایت ایران یا سوریه عمل می‌کرده، بلکه اسرائیلی‌ها احساس می‌کردند که نصرالله سر خود حمله به مزارع را آغاز کرده و ایران و سوریه پس از گسترش شدید درگیری از سوی اسرائیل وادار به حمایت از نصرالله شده‌اند. مقام‌های اسرائیلی از این تئوری که ایران حزب‌الله را وادار به این اقدام کرده تا توجه از فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی دیگری معطوف شود را نیز پشتیبانی نمی‌کنند. ولی با تمام این تفاسیر ماهیت ملاقاتها میان فرماندهان و مقام‌های هر سه طرف و نیز نقش دقیق مرکز اطلاعاتی حزب‌الله ایران - سوریه که در زمان جنگ در دمشق فعالیت خود را آغاز کرد، مبهم توصیف شده است.

**فصل چهارم** کتاب با عنوان «جنبه‌های تاکتیکی، فن‌آوری و سایر جنبه‌های جنگ» به این نکته اشاره دارد که برخی جزئیات کلیدی تاکتیکها، فن‌آوری‌ها و سایر جنبه‌های جنگیدن در طول جنگ اسرائیل - حزب‌الله هنوز روشن نیست. آشکار شدن داده‌های تاریخی و نظامی قابل اعتماد احتمالاً چندین سال طول می‌کشد و گاهی حل معضل شاخصها و شواهد متعارض، غیر ممکن است. اما به نظر می‌رسد که می‌توان چندین درس عمده تاکتیکی و تکنیکی از جنگ اسرائیل - حزب‌الله آموخت.

نویسنده در این فصل به طور مفصّل به قدرت نظامی حزب الله پرداخته و معتقد است که جنگیدن با حزب الله نشان می‌دهد که یک بازیگر غیردولتی پس از دستیابی به سلاحهای پیشرفته و برخورداری از حمایت قوی خارجی، چقدر خوب می‌تواند عمل کند.

**فصل پایانی** کتاب با عنوان «درسهایی از قانون پیامدهای ناخواسته» تأثیر مستمر جنگ را در این دو کشور مورد بررسی قرار می‌دهد و خاطر نشان می‌کند که جنگ اسرائیل - حزب الله هزینه‌ای سنگین برای لبنان، هم از نظر تلفات جانی و هم خسارات اقتصادی، در بر داشته و در مقابل، هزینه آن برای اسرائیل از نظر تلفات جانی کمتر از منابع مالی بوده است. اما تأثیر راهبردی بلندمدت تر آن ممکن است مشوق حملات نامتقارنی باشد که در آینده خسارات بیشتری در بر خواهند داشت.

به طور کلی باید گفت کتاب حاضر اطلاعاتی از پیامدها و دستاوردهای جنگ اسرائیل - حزب الله به خواننده ارائه می‌دهد که این جنگ تجارب ارزشمندی در طول تاریخ نظامی و جنگ نامتقارن محسوب می‌شود. لذا مطالعه آن برای پژوهشگران مفید می‌باشد.